



## درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی  
موضوع جزئی: موانع محتوایی اعتبار - مانع چهارم: مذمت زنان در نهج البلاغه -  
بررسی مانع چهارم - مرحله اول

تاریخ: ۲۸ / اردیبهشت / ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۳ رمضان ۱۴۴۱

جلسه: ۳۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### شواهد مانع چهارم

عرض کردیم یکی از موانع محتوایی اعتبار نهج البلاغه و به یک معنا یکی از مشکلات و معضلاتی که در نهج البلاغه با آن مواجهیم این است که در برخی از نامه‌ها، حکمت‌ها و خطبه‌ها حضرت علی (علیه السلام) به مذمت زنان پرداخته‌اند، شش مورد به عنوان شاهد بر این مدعا بیان شد. اما مسئله این است که این امور بعضاً با برخی آیات و روایات نیز تایید می‌شود، یعنی نه تنها فقط در نهج البلاغه بلکه در خود قرآن یا در روایاتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به نوعی مضمون آن سخنان دیده می‌شود؛ از جمله:

۱. در آیه ۲۸۲ سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»؛ دو نفر از مردان خود را به عنوان شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند انتخاب کنید تا اگر یکی انحراف پیدا کرد دیگری به او یاد آوری کند. طبق این آیات خدای متعال می‌فرماید: شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است.

۲. نظیر همین مطلب در باب ارث در آیه ۱۱ سوره نساء بیان شده است «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْأُنثَيَيْنِ» خداوند به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که از ارث پسر فرزند به اندازه سهم دو دختر باشد، اینجا نیز در ارث، سهم زنان را نیمی از سهم مردان قرار داده است.

۳. این روایت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت داده شده که فرمود: «شاوروهن و خالفوهن» با آنها مشورت کنید و هر آنچه گفتند برخلاف نظر آنها عمل کنید.

۴. در روایتی امام صادق (علیه السلام) از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «قال رسول الله (ص): ما رأيت من ضعيفات الدين و ناقصات العقول أسلب لذي لبّ منهن»؛ رسول خدا فرموده من انسان ضعیف الایمان و ضعیف الدین و ناقص العقول را ندیدم که این چنین بتواند عقل از مردان عاقل برآید. نظیر این روایت در کتب و جوامع روایی معتبر دیگر مثل تهذیب و من لا یحضر نیز ذکر شده است، روایاتی با همین مضمون (هم در جوامع روایی شیعه و هم در جوامع روایی اهل سنت) بیان شده است که

دیگر ما نمی‌خواهیم یک به یک این‌ها را نقل کنیم و البته که بعضی از این‌ها از نظر سندی جای بحث و گفتگو دارند و بعضی شاید این مشکل را کمتر داشته باشند.

### خلاصه اشکال

پس برخی مطالب وجود دارد که حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه درباره زنان فرمودند، همانطور که دیروز هم اشاره کردم شاید مجموعه آنچه که حضرت علی (علیه السلام) درباره زنان فرموده چیزی حدود ده مطلب است که به انحاء مختلف زنان در آن مذمت شدند یعنی ده مطلب در مورد زنان بیان شده است که تنقیص و سرزنش و مذمت زنان در آن وجود دارد مثل نقص عقل، ایمان و بهره اقتصادی، اینکه به دنبال فساد هستند، اینکه همشان زینت حیات دنیا است، اینکه با آن‌ها مشورت نکنید، اینکه هیچانی و احساسی هستند و خیلی با آنها درگیر نشوید که آبرو و اعراض شما را از بین می‌برند، توانشان ضعیف است، جانشان ضعیف است و موارد دیگری که کم نیست. به برخی از این موارد، آیات و روایات نیز مهر تایید زده است. پس ما با مطالبی در مورد زنان مواجهیم که در آن بعضا به نحو شدید و غلیظ زنان مذمت شده‌اند. لذا جای این شبهه و سوال وجود دارد که آیا اساسا این کلمات از حضرت علی (علیه السلام) صادر شده است یا سید رضی این‌ها را بدون تحقیق و بررسی به حضرت علی (علیه السلام) نسبت داده یا اگر این کلمات از حضرت علی (علیه السلام) صادر شده است چه توجیه و پاسخی می‌توانیم برای این کلمات و سخنان ذکر کنیم؟ زیرا بعضی از اینها قطعا به این شکل قابل دفاع نیست، درست است که مسئله ارث یا مسئله شهادت را ممکن است همانطور که قرآن هم فرموده برایش توجیهاتی ذکر کنیم، اما مسئله اینکه هم اینها فساد است و هم اینها زینت حیات دنیا است اینکه نقصان عقل دارند یا کم عقلند، اموری نیست که بتوانیم اینها را بپذیریم.

### انکار و بررسی آن

یکی از ساده‌ترین راه‌ها انکار انتساب این مطالب به حضرت علی (علیه السلام) است. یعنی کسی بگوید این‌ها را حضرت علی نگفته و صدور این کلمات از حضرت را انکار کند، این راه همانطور که گفتم هرچند ساده‌ترین راه است ولی با توجه به اینکه بسیاری از اینها در مصادر و منابع معتبر نقل شده و مصدر یابی شده است، راه صحیحی نیست، درست است که سید رضی آن را مرسلا نقل کرده اما در عین حال اینطور نیست که واقعا بدون سند و مدرک باشد. به علاوه سید رضی خودش اهتمام داشته در اینکه نقلش، نقل بی پایه و اساسی نباشد، این هم چنین مطالبی که قهرا برای هر کسی می‌تواند این شبهه را تقویت کند که این از حضرت علی (علیه السلام) صادر نشده است، یعنی از یک طرف ببیند سندی ندارد و از یک طرف هم این مطالب گفته شده است، این‌ها خیلی راحت می‌تواند شخص را به این نتیجه برساند که این مطالب از حضرت علی (علیه السلام) صادر نشده است. لذا با توجه به وجود مصادر و منابع این سخنان و با توجه به شناختی که از سید رضی داریم انکار صدور این سخنان از حضرت علی (علیه السلام) راه پسندیده‌ای نیست. پس چه باید کرد؟ باید پاسخی پیدا کنیم،

### بررسی مانع چهارم

آنچه ما می‌خواهیم در این مقام ذکر کنیم در درجه اول بیان دیدگاه کلی اسلام و قرآن و اهل بیت در باب زنان است. این خیلی مهم است که ما یک چهار چوب کلی از قرآن و روایات پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام ارائه دهیم که اساسا زن در منطق دینی و منظومه معارف دینی چه جایگاهی دارد؟ در مرحله دوم یک پاسخ کلی بدهیم در تحلیل این نوع متون و در مرحله سوم به این موارد به خصوص بپردازیم. پس ما در سه مرحله بحث را دنبال خواهیم کرد:

۱. مرحله اول ارائه دیدگاه کلی درباره زن است. این خیلی مهم است که ما اساساً چهارچوب کلی نظر اسلام را درباره زن بدانیم وقتی آن چهارچوب معلوم شود آن‌گاه می‌دانیم که برای این مطلب باید چاره‌ای بیندیشیم.

۲. یک جواب کلی به این شش مورد از سخنان حضرت علی (علیه السلام) بدهیم. یعنی یک سری اصول و رؤس کلی که در تحلیل چنین کلماتی می‌تواند راه‌گشا باشد.

۳. بررسی موارد در کلام حضرت علی (علیه السلام).

### مرحله اول

در مرحله اول به سه محور اشاره می‌کنم. یکی نمونه‌هایی از آیات در مورد زنان، دوم روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام و سوم گزارش‌های تاریخی از زنانی که در طول تاریخ و صدر اسلام نمونه‌های برجسته و موفق بودند که وجود این‌ها به هر حال نشان می‌دهد اسلام نسبت به زن چه دیدگاهی داشته است.

### آیات

هفت آیه وجود دارند که می‌توان از آن خطوط کلی دیدگاه قرآن را در باب زنان استفاده کرد.

### آیه اول: زن مایه آرامش

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱</sup>

و از آیات و نشانه‌های خداوند این است که او از جنس خود شما همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش بیابید و بین شما مودت و رحمت قرار داد و در این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که اهل فکر و تفکر هستند.

با آن که زن مایه آرامش قرار داده شده چطور ما می‌توانیم بگوییم موجودی که همه اش شر است موجودی که عقرب است یا نقص عقل و ایمان و سستی اراده و ناتوانی همه جانبه دارد مایه آرامش باشد پس این یک اصل است که زن مایه آرامش است.

### آیه دوم: تساوی در فضایل و یاداش با مردان

در تفسیر نور الثقلین آمده است که وقتی اسماء بنت عمیس با همسرش جعفر بن ابی طالب از حبشه بازگشتند او بر زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شد و از آنها پرسید: آیا در قرآن چیزی درباره زنان و اهمیت آنها آمده است یا خیر؟ آنها گفتند خیر، اسماء بلافاصله خدمت رسول خدا رسید و عرض کرد یا رسول الله زنها در یأس و خسارت هستند، یعنی کانه اعتراضی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرد که چرا قرآن در مورد زنان چیزی نفرموده است، حضرت پرسید چرا؟ عرض کرد زیرا درباره آنها آنچه از خوبی‌ها درباره مردان گفته شده ذکر نمی‌شود، ما ندیدیم قرآن در مورد زنان چیزی بگوید، آنگاه برای اینکه معلوم شود او اشتباه کرده این آیه نازل شد. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۲</sup>

قطعا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمن، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان صادق و زنان صادق، مردان صبور و شکیبا و زنان صبور و شکیبا، مردان خاشع و زنان خاشع، مردان اهل انفاق و زنان انفاق کننده مردان

<sup>۱</sup> سوره روم، آیه ۲۱.

<sup>۲</sup> سوره احزاب، آیه ۳۵.

روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاک دامن و زنان پاک دامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه آنها آمرزش و اجر و پاداش عظیمی فراهم کرده است، **أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا**. این آیه در اوصاف متعدد زنان را با به پای مردان و هم پای آنها مطرح کرده است، زنان صبور و مردان صبور، زنان مؤمن و مردان مؤمن، عمده پاداشی است که خداوند قرار داده است، در این جهت فرقی بین زن و مرد نگذاشته است، می‌فرماید: برای مردان دارای این ویژگی‌ها و زنان با این خصوصیات خداوند اجر و پاداش عظیمی قرار داده است. اگر مسئله شر و نقصان و ناتوانی و امثال اینها مربوط به جنس زن بود معنا نداشت که خداوند در مورد این جنس اینچنین بفرماید.

#### **آیه سوم: تساوی در ایمان و عمل صالح با مردان**

خداوند متعال می‌فرماید: **«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ نَقِيرًا»<sup>۱</sup>**

هر کسی عمل صالح انجام دهد چه زن و چه مرد اگر مومن باشد، داخل بهشت خواهد شد و هیچ ظلم و ستمی به او وارد نخواهد شد. **من يعمل من الصالحات من ذكر او انثى**، یعنی رتبه مرد و زن در ایمان و عمل صالح یکسان است. هر کسی چه مرد و چه زن ایمان و عمل صالح داشته باشد **يدخلون الجنة** و هیچ ستمی به او نمی‌شود، آن‌گاه تساوی در ایمان را چطور می‌توانیم با نقصان ایمان که حضرت فرموده کنار هم قرار دهیم؟ پس از دید قرآن رتبه ایمانی ربطی به جنسیت ندارد، هم مرد و هم زن می‌توانند به این رتبه های ایمانی برسند و پاداش بگیرند.

نظیر همین مضمون در آیات دیگری هم در قرآن وارد شده است، یعنی اینکه عمل صالح و ایمان از ناحیه هر کس چه مرد و چه زن باشد اجر و پاداش عظیمی دارد مثل سوره توبه آیه ۷۲؛ سوره غافر آیه ۴۰؛ سوره نحل آیه ۹۲؛ همه به این مضمون اشاره کردند که البته خودش یک موضوع است و چند آیه.

پس در آیه اول خدا زن را مایه آرامش قرار داد، در آیه دوم ملاحظه کردید که خداوند تبارک و تعالی در قرآن شان زن و مرد را در امور بسیاری یکسان دانسته است، در آیه سوم رتبه زن و مرد در ایمان و عمل صالح متساوی قرار داده شده است.

#### **آیه چهارم: تساوی در اجرای تکالیف و اقامه فرائض**

در آیه چهارم خداوند متعال در واقع مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، ایتاء زکات، اطاعت خدا و رسول را به عهده همه گذاشته است، اقامه و برپا کردن فرایض و تکالیف یعنی مسئولیت اجرای تکالیف و اقامه فرائض و تکالیف الهی را هم به عهده مردان گذاشته و هم زنان، خداوند متعال می‌فرماید: **«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»<sup>۲</sup>**؛

خداوند متعال می‌فرماید: مردان و زنان مؤمن یار و یاور همدیگر هستند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، این یک کار مهمی است، این هم به عهده زن گذاشته شده و هم مرد تا اقامه نماز کنند و زکات دهند و اطاعت خدا و رسول کنند و خداوند به زودی آنها را مورد رحمت خودش قرار می‌دهد و اوست که توانا و حکیم است.

مسئولیت‌های به این مهمی مانند اقامه نماز، (که غیر از خواندن نماز است)، امر به معروف و نهی از منکر همه وظایف و مسئولیت‌هایی است که خداوند هم به عهده زنان گذاشته و هم مردان.

<sup>۱</sup> سوره نساء، آیه ۱۲۴.

<sup>۲</sup> سوره توبه، آیه ۷۱.

در مورد امر به مشورت خداوند فرقی بین زن و مرد نگذاشته، خداوند متعال می‌فرماید: «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»<sup>۱</sup>. می‌فرماید و اینها کسانی هستند که کارهای آنها به طریق مشورت در میان آنها واقع می‌شود. اینجا وقتی بحث مشورت شده فرقی بین زن و مرد گذاشته نشده است، نگفتند که با مردان مشورت کنید، «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» مسلمانان کسانی هستند که اساس کارشان بر شور و مشورت استوار است.

سوال:

استاد: مثلاً وقتی گفته می‌شود «الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>۲</sup> یعنی فقط مردان اینطور هستند؟ موارد بسیاری داریم که ضمیر مذکر آمده ولی خصوص مردان مورد نظر نیستند.

آیه ششم: زنان اسوه

در قرآن به وضوح بعضی از زنان را به عنوان اسوه برای مردان قرار داده است، می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ ۗ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانٌ مِنَ الْقَانِنِينَ»<sup>۳</sup>

خداوند برای مردان مؤمن به همسر فرعون مثال زده است وقتی که گفت پروردگارا برای من نزد خودت در بهشت خانه‌ای بساز و من را از فرعون و کار او خلاص کن و از گروه ستمگران نجات بده، همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را مصون نگه داشته و ما از روح خود در آن دمیدیم، او کلمات خدای خود را پروردگارش و کتابش را تصدیق کرد و از مطیعان بود، یعنی از کسانی که از فرمان خدا پیروی می‌کنند.

اگر واقعا جنس زن و طبیعت زن مبتلا به آن مشکلات باشد چطور می‌تواند به عنوان نمونه و مثل در قرآن ذکر شود که یاد بگیرد از زن فرعون که چنین بود یا از دختر عمران که ببیند چطور بود. این نشان می‌دهد که اساسا جایگاه و موقعیت شأن زن به نحوی است که حتی می‌تواند برای مردان هم الگو باشند، می‌توانند از نظر ایمان در رتبه مردان قرار بگیرد و عمل صالح بلکه بالاتر از آنها برود، می‌تواند مایه آرامش باشد، زن مسئولیت‌های مهم اجتماعی از دید قرآن می‌تواند بپذیرد و در بسیاری از امور، شأنش هم طراز شأن مردان قرار داده شده است.

آیه هفتم: تساوی در ملاک تقوا

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»<sup>۴</sup> با کرامت ترین شما با تقواترین شما است اینجا فرقی بین زن و مرد نگذاشته است ملاک و معیار نزدیک شدن به خداوند و کرامت پیدا کردن را تقوا قرار داده است، چه در مرد باشد و چه در زن. آیات دیگری نیز وجود دارند که به وضوح جایگاه و اهمیت و موقعیت زن را نه تنها کمتر و در درجه پایین‌تر از مرد قرار نداده بلکه امکان برتری و رشد او نسبت به مردان را هم فراهم کرده و آن را نفی نکرده است. «والحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup> سوره شوری، آیه ۳۸.

<sup>۲</sup> سوره بقره، آیه ۱۵۶.

<sup>۳</sup> سوره تحریم، آیات ۱۰ الی ۱۲.

<sup>۴</sup> سوره حجرات، آیه ۱۳.